

سازماندهی و مدیریت نیروهای مردمی در مقابله با بحران‌های اجتماعی

حسین حسینی جیردهی^۱ | محمد نورمحمد^۲

۱

سال شانزدهم

بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۰۲

صص: ۱۵۹-۱۸۷



چکیده

حضور مردم در بحران‌های اجتماعی به‌عنوان نیروی کمکی مدیریت بحران، ازجمله مواردی بوده که در طول بیش از چهار دهه اخیر شاهد آن هستیم. موضوعی که در پاره‌ای از موارد به دلیل عدم آموزش‌های لازم باعث برهم‌خوردن نظم میدان و حتی ختنی‌سازی اقدامات تأمینی و واردآمدن خسارت ناخواسته به عوامل حاضر در میدان عمل منجر شده است. ازاین‌رو موضوع سازماندهی نیروهای مردمی برای ورود به بحران‌های اجتماعی جهت جلوگیری از تحلیل‌رفتن نیروهای همسو و مدافع امنیت و تبعات ناشی از نابسامانی میدانی، به‌عنوان مبحث اصلی این پژوهش و با سؤال اصلی «چگونه می‌توان نیروهای مردمی را در راستای مدیریت‌کردن ناآرامی‌های اجتماعی، سازماندهی کرد؟ در نظر گرفته شد تا با بررسی آن به اثربخش‌بودن یا نبودن آن پی برده و برای آن راهکاری ارائه شود. داده‌های این تحقیق به روش کیفی و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق تهیه شده است که طی مصاحبه با ۱۳ نفر از خبرگان و افراد باتجربه در خصوص مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی جمع‌آوری شده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای موضوعات مرتبط و استخراج دستورالعمل‌ها و بایدها و نبایدهایی برای نیروهای مردمی جهت ورود به میدان مدیریت بحران انجام شده است. آنچه که در پایان این پژوهش، با در نظر گرفتن ثبت نظرات مصاحبه‌شوندگان و استخراج نتایج مقوله‌بندی داده‌های مصاحبه و تجارب شخصی و میدانی محقق به دست آمد آن است که «سازماندهی نیروهای مردمی در مدیریت بهینه بحران‌های اجتماعی مؤثر می‌باشد». این مهم طی فرایند کلی سازماندهی و اقدامات مدیریت بحران توسط نیروهای مردمی در دو بخش عملیات میدانی و فضای مجازی انجام پذیرفته است و نیروهای مردمی در این دو عرصه سازماندهی و بحران را مدیریت می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: بحران، بحران اجتماعی، سازماندهی، مدیریت بحران و نیروی مردمی

۱. دانشیار، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت بحران دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.

مقدمه

در جهان امروز که بحران‌ها بخشی از زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود، نحوه مواجهه با بحران در چگونگی مدیریت بحران تأثیر بسزایی دارد، تا آنجا که شکست یا پیروزی مدیریت بحران را می‌توان تا میزان قابل توجهی به این موضوع مرتبط دانست. مواجهه با بحران را نمی‌توان صرفاً یک امر دولتی یا حکومتی تلقی کرد. در بسیاری از بحران‌های به وقوع پیوسته در جهان، شاهد حضور نیروهای مردمی و تلاش آنها برای کمک‌رسانی به مدیریت بحران بوده‌ایم. این امر در بحران‌های اجتماعی حساسیت و اهمیت بیشتری دارد و تجربه نشان داده است که حضور نیروهای مردمی تا میزان قابل توجهی می‌تواند بر کیفیت و نحوه مدیریت بحران اثر داشته باشد. از این رو حساسیت و میزان اثرگذاری چگونگی ورود و حضور نیروهای مردمی در بحران‌های اجتماعی می‌طلبد که نگاه ویژه و تازه‌تری به این مهم داشته باشیم.

در کشور ما مدیریت بحران‌های اجتماعی همواره با حضور نیروهای مردمی در کنار نیروهای سازمانی و رسمی عامل تأمین امنیت بوده است و این تعامل و همکاری در طول چهار دهه گذشته بخش قابل توجهی از فضای عملیات مدیریت بحران را به خود اختصاص داده‌اند. این حضور همواره با حاشیه‌ها و بایدها و نبایدهای زیادی همراه بوده است و یکی از عمده مسائل، نحوه ورود این نیروها و چگونگی فعالیت این نیروها در مدیریت بحران بوده است. چرا که عدم به کارگیری نیروهای مردمی در مدیریت بحران، تبعات و آثار خاص خود را به همراه داشته که جدای از عوارض سیاسی - امنیتی و ملی، موجب آسیب وارد شدن به کلیت عملیات مدیریت بحران و نیروهای مردمی بوده است که در بلندمدت تبعات آن باعث ایجاد خسارت‌هایی در این حوزه شده است؛ لذا برای جلوگیری از وارد آمدن خسارت‌های بیشتر به سرمایه انسانی و نیروهای مردمی و کاهش آسیب‌های مرتبط در مدیریت بحران‌های اجتماعی و پرهیز از بروز چالش‌های سیاسی اجتماعی انگیزه پژوهشگر این است که «چگونه می‌توان نیروهای مردمی را در راستای مدیریت کردن ناآرامی‌های اجتماعی، سازماندهی و به کار گرفت»؟

تعاریف و ادبیات

بحران

«بحران بر اساس فرهنگ وبستر، به معنی نقطه عطف است و هنگامی واقع می‌شود که هدف‌های برتر نهاد تصمیم‌گیرنده به خطر افتد، زمان پاسخ‌دهی و اجرای تصمیم‌های اتخاذ شده بسیار محدود باشد و وقوع چنین موقعیتی به سردرگمی و غافل‌گیری اعضای نهاد تصمیم‌گیرنده منتهی شود.» (هرمن به نقل از آقای، ۱۳۸۷: ۱۱)

در تعریف دیگری داریم: «یک لحظه تعیین‌کننده، مقطع حیاتی، نقطه برگشتن برای بهتر یا بدتر شدن وضعیت نمونه‌هایی از تعریف بحران در فرهنگ لغات می‌باشد؛ ولی از نظر برداشت عمومی، بحران عبارت است از: به وجود آمدن شرایطی غیرمعمول یا غیرمتعارف در روند حرکت و به بیان دیگر بحران وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می‌گردد.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۳)

مدیریت بحران

مدیریت بحران اصطلاحی است که برای پاسخ‌دهی به موقعیت‌های بحرانی به کار می‌رود و به بیان مک‌کارتی هدف اصلی آن «دستیابی به راه‌حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی، به گونه‌ای است که منافع و ارزش‌های اساسی، حفظ و تأمین شوند.» (مک‌کارتی، ۱۳۸۱: ۶)

در تعریف دیگری که می‌توان گفت به مراحل سه‌گانه مدیریت بحران نیز اشاره‌ای داشته چنین آمده است: «مجموعه فعالیت‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سیاسی وابسته به مراحل مختلف و کلیه سطوح بحران، در جهت نجات، کاهش ضایعات و خسارات و جلوگیری از وقفه زندگی، تولید و خدمات، حفظ ارتباطات، حفظ محیط‌زیست و بالاخره ترمیم و بازسازی خرابی‌ها.» (حسینی جناب و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۶).

بحران اجتماعی

«بحران‌های اجتماعی می‌توانند در زمینه‌های بسیار متفاوت اقتصادی، فرهنگی، طبیعی، سیاسی و غیره بروز کنند هر یک از آن بحران‌ها الگوی خاصی دارند که از دیگری متمایز می‌شوند. به طور مثال فرایند امنیتی شدن یک بحران اجتماعی ناشی از مشکلات اقتصادی از نظر سرعت و

مراحل با آنچه در یک بحران طبیعی همچو زلزله رخ دهد کاملاً متفاوت است در مثال دیگر می توان گفت برخی از بحران‌های سیاسی بحران قومی بحران هویت و بحران مشروعیت به دلیل داشتن ماهیتی سیال گونه رابطه هم جواری و سابقه تاریخی به سرعت از سوی بازیگران مختلف برچسب امنیتی خورده و تغییر ماهیت می دهند. در حقیقت نوع بحران می تواند سرعت و مسیر امنیتی شدن آنها را تعیین کند و فضا را برای تهدید علیه ارزش های پایه فراهم نمایند.» (امیری، ۱۳۹۱)

نیروی مردمی

نیروی مردمی در همه زمینه‌های حاکمیتی به عنوان یکی از پشتوانه‌های اصلی دولت و حاکمیت محسوب می شود و در واقع می توان گفت به نوعی ضامن بقای هر حکمرانی، همراهی مردمی و حمایت آنان از حکومت بوده است. از این رو نحوه ورود، مداخله و آرایش نیروهای مردمی در مواقع و بزنگاه‌های مختلف می تواند تعیین کنند سرنوشت موضوعات و چالش‌های به وجود آمده باشد؛ به همین جهت حاکمیت‌ها همواره برای مواجهه با موضوعاتی که ممکن است منجر به بحران شوند یا چالش‌های امنیتی به وجود بیاورند، احتیاج مبرم به عقبه و پشتوانه مردمی دارند؛ این احتیاج دولت‌ها و حاکمیت‌ها به نیروهای مردمی، در کنار کمک گرفتن از حضور این نیروها برای مواجهه و مقابله با بحران‌های گوناگون، عامل ضریب گرفتن مشروعیت حاکمیت و نیروهای تأمین کننده امنیت در میدان اعتراض نیز بوده؛ چرا که حضور نیروهای مردمی همسوی با حاکمیت در میدان اعتراض، خودنمایش قدرتی است برای به رخ کشیدن حمایت و قدرت نیروهای مردمی در برابر مخالفان و معترضان حاکمیت؛ این موضوع یکی از مهم ترین عوامل توانمندسازی مدیریت بحران در زمان بروز و مواجهه با بحران بوده که تأثیر بسیار مهمی در نتیجه نهایی مدیریت بحران دارد.

نیروی مردمی، فردی است که در جهت رفع نیازها و مسائل و مشکلات جامعه در حوزه‌های مختلف، بدون هیچ گونه منفعت مالی، دست به فعالیت می زند. در واقع، داوطلب به سراغ علایق و عقاید خود می رود و برای رسیدن به هدفی که دارد تلاش می کند. در بحران‌های اجتماعی نیروی مردمی افرادی هستند که در قالب نیروهای بسیج سازماندهی شده و برای تأثیرگذاری بر روند مدیریت بحران، وارد میدان می شوند. در واقع هم‌افزایی و مشارکت‌های مردمی در زمان وقوع

بحران به عنوان یکی از موضوعات مهم و قابل توجه مدیریت بحران می باشد که به عنوان یک پیشخوانه قابل توجه و اثرگذار در زمینه مواجهه با انواع بحرانها به حساب می آید.

سازماندهی

سازمان دهی شامل تعریف مشاغل و روابط کاری، تعیین وظایف مختلف در ارتباط با برنامه ها، تنظیم و تخصیص منابع و طراحی ساختاری است که وظایف، مسئولیت ها و اختیارات و برنامه ریزی فعالیت ها را برای حفظ همواری و اثربخشی در عملیات متمایز می کند. «سازماندهی، عمل بازآرایی اجزاء است که بر اساس یک یا چند قاعده صورت می گیرد. در مدیریت، سازماندهی را فرایندی می دانند که طی آن با تقسیم کار میان افراد و گروه های کاری و ایجاد هماهنگی میان آنها، برای کسب اهداف تلاش می شود. این فرایند شامل سه مرحله زیر است:

• طراحی و تعریف کارها و فعالیت های ضروری

• دسته بندی فعالیت ها بر حسب مشاغل و منصب های سازمانی تعریف شده

• برقراری رابطه میان مشاغل و منصب های سازمانی، برای کسب اهداف مشترک» (رضائیان،

۱۳۸۵:۲۷۳)

و در نهایت اینکه «به منظور حفظ شکل گروهی و آمادگی مقابله با سوانح و نیز ارتباط با سازمان های رسمی و در نهایت ایجاد هماهنگی در هنگام حوادث، گروه های داوطلب باید به خوبی سازماندهی شوند. همچنین جهت هماهنگی، سهولت و ایجاد رابطه مناسب با سایر نهادهای رسمی مدیریت بحران، لازم است که روابط ساختاری مناسبی بین گروه ها و تشکیلات رسمی موجود طراحی و پیاده شود.» (حسینی، ۱۳۸۷: ۵۴)

اسملسر معتقد است رفتار جمعی همانند سایر کنش های اجتماعی چهار جزء دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. او اجزاء کنش اجتماعی را به شرح زیر تبیین می کند:

اجزاء کنش اجتماعی

۱. ارزش ها: او عقیده دارد که عام ترین جزء کنش اجتماعی در نظام ارزشی جای دارد او می نویسد: " ارزش ها در قالب های کلی به بیان اهداف مطلوبی می پردازند که برای تلاش عامل انسانی راهنما است " (اسملسر، ۱۳۸۰: ۳۷) این ارزش ها در ارجاعات شان چنان کلی اند که نمی توان

به بیان دقیق انواع خاص هنجارها، انواع سازمان یا انواع امکاناتی که برای تحقق این اهداف لازمند پرداخت.

۲. هنجارها: او با اشاره به اینکه اگر فقط ارزش‌ها وجود داشته باشند هیچ کنشی امکان پذیر نخواهد بود، عنوان می‌کند که هنجارها قواعدی هستند که دامنه کاربردهای ممکن ارزش‌های عام را تنگ می‌کنند و لذا از ارزش‌های عام خاص‌ترند چرا که به‌طور خاص به بیان پاره‌ای اصول تنظیمی که برای تحقق این ارزش‌ها ضروری‌اند می‌پردازند. هنجارها شیوه‌هایی‌اند که در آن الگوهای ارزشی فرهنگ مشترک نظام اجتماعی در قالب کنش انضمامی واحد در تعامل‌شان با یکدیگر شده‌اند (اسملسر، ۱۳۸۰: ۴۰)

۳. بسیج انگیزه در کنش سازمان یافته: وی با ذکر این نکته که ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود شکل سازمان کنش انسانی را تعیین نمی‌کنند معتقد است که آنها اهداف و قواعد کلی را در اختیار قرار می‌دهند و به طرز خاص مشخص نمی‌کنند که چه کسی در تعقیب اهداف ارزشمند کار گزار او خواهد بود. او معتقد است اینکه کنش‌های این کارگزاران چگونه در قالب نقش‌ها و سازمان‌ها ساخته خواهد یافت و آنها چگونه برای مشارکت و وظیفه شناسانه آنها در این نقش‌ها و سازمان‌ها پاداش خواهند دید در واقع به عهده جزء بسیج انگیزه در کنش سازمان یافته است. بنابراین بایستی علاوه بر ارزش‌ها و هنجارها جزء سومی به‌طور خاص مشخص نمود که جزئیات بیشتری در زمینه کنش اجتماعی به‌دست دهد و نتواند به یکی از دو جزء دیگر تقلیل یابد.

۴. امکانات موقعیتی او از امکانات موقعیتی به عنوان آخرین جزء کنش اجتماعی یاد می‌کند و آن را متضمن وسایل و موانع موجود جهت تسریع یا ممانعت از نیل به اهداف انضمامی در بافت نقشی یا سازمانی می‌داند. او می‌نویسد: این جزء راجع به معلومات کنش‌گر از فرصت‌ها و محدودیت‌های محیط و گاهی معلومات وی از توانایی خود برای تحت تأثیر قرار دادن محیط است. در هر حال معلومات بستگی دارد به امکان تحقق هدفی که بخشی از عضویت نقشی یا سازمانی وی را تشکیل می‌دهد. (همان، ۱۳۸۰).

پیشینه پژوهش

در زمینه سازماندهی نیروهای مردمی برای زمان وقوع بحران‌های اجتماعی تحقیقات و مقالات منتشر شده زیادی در دسترس عموم نیست و موضوع سازماندهی بیشتر برای مواجهه با بحران‌های طبیعی همچون سیل و زلزله مورد نظر محققان بوده است. در همین راستا برای سازماندهی نیروهای مردمی در عرصه مواجهه با بحران‌های اجتماعی، می‌بایست در دو فضا و جبهه به اقدامات هماهنگ و هم راستا دست زد که عبارت‌اند از «جامعه» به عنوان میدان واقعی مواجهه و دیگری، «فضای مجازی» و جهان سایبری که امروزه به عنوان فضا و دنیایی برای زیست مجازی افراد در نظر گرفته می‌شود. در این خصوص مقالات و پژوهش‌های نسبتاً بیشتری در دسترس می‌باشد.

عرب (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی اثربخشی شیوه‌های آموزش مدیریت بحران بر یادگیری داوطلبین طرح دوام، به بررسی روش‌های آموزش مدیریت بحران بر میزان یادگیری ۲۱۰ نفر از داوطلبین طرح دوام در منطقه ۶ شهر تهران پرداخته است. وی در این تحقیق که روش پژوهشی آن توصیفی و پیمایی است، علاوه بر اثربخشی شیوه‌های آموزش مدیریت بحران، مولفه‌های میزان اثربخشی آموزش تئوری مدیریت بحران، میزان اثربخشی آموزش عملی مدیریت بحران و اثربخشی نحوه استفاده از مربیان مرتبط نیز مورد بررسی قرار داده است که در نهایت با بررسی‌های به عمل آمده مشخص می‌شود که آموزش تئوری مدیریت بحران، آموزش عملی مدیریت بحران و استفاده از مربیان مرتبط با آموزش مدیریت بحران، همگی این مؤلفه‌ها بر یادگیری داوطلبین طرح دوام تأثیرگذار هستند.

پژوهش مذکور در خصوص آموزش و یادگیری ملزومات مدیریت بحران و میزان اثرگذاری آموزش در افزایش بازدهی مدیریت بحران و کاهش تبعات ناشی از بحران و همچنین ناشی از عدم یادگیری و آموزش نیروهای مردمی و داوطلب می‌باشد. وجه تمایز این تحقیق با پژوهش حاضر در پرداختن به نوع بحران است که آقای عرب در خصوص بحران طبیعی و تأثیر آموزش بر کنشگران در این دسته از بحران‌ها تحقیق کرده است و در پژوهش حاضر تمرکز بر آموزش کنشگران و نیروهای مردمی در بحران‌های اجتماعی قرار گرفته است.

روحي (۱۳۸۹) در مقاله اصول راهبردی مدیریت ناآرامی‌های شهری سعی کرده با توجه به خصوصیات بحران‌های ناشی از ناآرامی‌های شهری، اصول راهبردی مدیریت ناآرامی‌های شهری

را مورد بررسی قرار دهد. در این تحقیق ضمن شناسایی عوامل میدان، نحوه چگونگی اثر گذاشتن بر میدان و عوامل آن مورد اشاره نویسنده قرار گرفته است. این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تدوین گردیده، نویسنده مواجهه نرم را نیز در دستور کار قرار داده و آن را پیش از هر گونه اقدام سلبی و سخت لازم می‌داند و عنوان می‌کند که این نوع مواجهه می‌تواند در مدیریت بحران اثر مستقیم و مثبتی داشته باشد و می‌تواند تبعات ناشی از بحران را تا میزان قابل توجهی کاهش دهد.

مقاله مذکور در خصوص شیوه مواجهه نرم و تأکید آن در کارایی بیشتر مدیریت بحران و همچنین اصول راهبردی و نظام مند مدیریت بحران در مواجهه سخت برای آموزش روش مند نیروهای (مردمی و داوطلب) مرتبط با مدیریت بحران مورداستفاده قرار گرفته است. وجه تمایز آن با پژوهش جاری، تأکید صرف بر مواجهه نرم با معترضین بوده که در این پژوهش به مواجهه سخت و سازماندهی نیروهای مردمی نیز پرداخته شده است.

عظیمیان (۱۳۹۳) در مقاله راهبردهای مناسب برای مدیریت بحران ناشی از تهدیدات اجتماعی که اطلاعات آن از جامعه آماری شامل؛ مسئولان اجرایی وزارت کشور، وزارت اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، ایران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و استادان دانشگاهی به تعداد ۱۹۶۰ نفر است و به روش پژوهش آمیخته و با رویکردهای کمی و کیفی اجرا شده است، با طرح سؤالاتی و با استفاده از فرمول کوکران، جامعه نمونه را به تعداد ۲۳۴ نفر تعیین و به شکل هدفمند و متناسب به سازمان‌های موردنظر اختصاص داده است، سعی در به‌دست آوردن مجموعه راهبردهای مختلفی با دسته‌بندی‌های راهبردهای ناظر بر نقاط قوت و فرصت‌ها، راهبردهای ناظر بر نقاط قوت و تهدیدها، راهبردهای ناظر بر نقاط ضعف و فرصت‌ها، راهبردهای ناظر بر نقاط ضعف و تهدیدها داشته که در انتهای پژوهش به عنوان پیشنهادات راهبردی آنها ارائه نموده است.

مقاله مذکور در خصوص ارتقای مشارکت‌های اجتماعی و مردمی در عرصه‌های مختلف من جمله مدیریت بحران و تعامل سازنده مردم با نهادهای مرتبط یا مدیریت بحران و همچنین استفاده از گروه‌های مرجع محلی برای ساماندهی و مدیریت بحران در این پژوهش مورداستفاده قرار گرفته است. وجه اشتراک آن با این پژوهش در مشارکت مردمی و استفاده از مراجع محلی برای حل بحران و همچنین اثربخشی مدیریت بحران با تعاملات گسترده است.

تأثیر سازماندهی در مدیریت بحران‌های اجتماعی عنوان مقاله‌ای است که ناکینی (۱۳۹۶) در آن چنین عنوان می‌کند که مدیریت بحران‌های اجتماعی در جوامع گوناگون یکسان نبوده و تحت تأثیر متغیرهای کلانی چون نظام سیاسی حاکم فرهنگ امنیتی و آستانه تحمل دولت‌ها بوده و در اساس عملی پیچیده و تا حد زیادی زمینه‌محور و حاصل نظام ادراکی نخبگان سیاسی و امنیتی کشور است. هدف از این پژوهش تبیین چگونگی سازماندهی در بحران‌های اجتماعی جهت جلوگیری از گسترش و امنیتی‌شدن آن است و نوع پژوهش کاربردی و از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده و محقق درصدد پاسخ به این سؤال که سازماندهی در مدیریت بحران‌های اجتماعی چه تأثیری دارد است و حجم نمونه جامعه آماری پژوهش را تعداد ۴۰ نفر از صاحب‌نظران و متخصصین آگاه به مقوله‌های مدیریت و بحران تشکیل داده‌اند که باتوجه به تعداد محدود، کلیه اعضای جامعه آماری به‌عنوان حجم نمونه استفاده شده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق، فرضیه این پژوهش را تأیید نمود نتایج پژوهش بیانگر این است که سازماندهی در مراحل قبل (پیش‌بینی، پیشگیری، آمادگی) شروع (هشدار و مصونیت، ارزیابی مقدماتی و بسیج منابع، پاسخگویی سریع) حین (امداد و نجات عملیات ویژه مهارسازی) و پس از بحران (بازیابی، بازسازی، یادگیری) نقش مؤثری در جلوگیری از گسترش و امنیتی‌شدن بحران‌های اجتماعی دارد. تحقیق مذکور ضمن آنکه این مهم را تبیین می‌کند که هر بحران باتوجه به جنس و مکان وقوع، دارای خصوصیات منحصر به خودش می‌باشد، به اثرات سازماندهی در کاهش آثار مخرب ناشی از بحران و هزینه‌های آن می‌پردازد که در نگارش تحقیق از آنها استفاده شده است. این تحقیق بر بحران‌های طبیعی تمرکز دارد در حالی که پژوهش جاری، با موضوع بحران‌های اجتماعی در حال نهایی شدن است.

جمیلی و سواری (۱۳۹۹) در مقاله بررسی جایگاه مشارکت‌های مردمی در مدیریت بحران با تمرکز بیشتر بر بحران‌های طبیعی به موضوع مشارکت‌های مردمی در مدیریت بحران پرداخته‌اند که این نگاه را می‌توان به بحران‌های اجتماعی نیز تعمیم داده و با اقتضائات خاص آن، این مشارکت‌ها را تعریف کرده و اقدامات پیرامون آن را نیز حول همین محور دسته‌بندی و به مرحله اجرا برسانیم.

این تحقیق که به روش کیفی و کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم گردیده است، مشارکت‌های مردمی را به عنوان عاملی کلیدی که تجلی جامعه مدنی و احترام به رأی دیگران تلقی می‌کند و برای آن نقش بسزایی در کنترل و مدیریت بحران در نظر می‌گیرد. این مشارکت‌ها چنانچه سازمان‌یافته و منظم باشند تا حدود زیادی می‌توانند در تمامی مراحل بحران (قبل، حین و پس از بحران) اثرات آن را کاهش دهند.

تحقیق مذکور در زمینه سازماندهی و به کارگیری نیروهای مردمی در مدیریت بحران و میزان اهمیت آن مورد استفاده قرار گرفته است که وجه مشترک آن با این پژوهش است. این تحقیق با تمرکز بر بحران‌های طبیعی انجام شده و صرفاً با تمرکز بر مدیریت میدانی در منطقه بحران زده و اشاره‌ای به فضای مجازی در این خصوص نداشته است.

یافته‌های پژوهش

در حرکت‌های مردم پایه، همان‌طور که از اجزای اسم آن پیداست، زیربنا و محور اصلی اقدام، مردم هستند که تعیین‌کننده اصلی و نتیجه آن نیز هستند. از این رو پرداختن به نقش‌های مردم در زمان بروز بحران‌های اجتماعی و ورود آنها به عرصه مدیریت بحران، می‌تواند در افزایش بازدهی حضور این نیروها در میدان و تعیین نتیجه نهایی مواجهه و مقابله با بحران تأثیر به سزایی داشته باشد؛ این دقت نظر در مقوله مذکور در واقع در دو قسمت آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی به مرحله عملیاتی شدن خواهد رسید و به هر میزان این دو فاکتور اساسی آموزش و سازماندهی، دقیق‌تر و اصولی‌تر انجام شوند، نتیجه نهایی در میدان مواجهه بهتر و مطلوب‌تر خواهد بود.

پس از بررسی پتانسیل‌های جمعیتی مردم و نیروهای مردمی با توجه به مراحل سه‌گانه مدیریت بحران، می‌توان نقش‌های متعددی برای آنان در نظر گرفت؛ ولی بر مبنای تجربه و مشاهدات بحران‌های اجتماعی سه دهه اخیر، می‌توان موارد زیر را به عنوان نقش‌های اصلی و مؤثر نیروهای مردمی در مقابله با بحران‌های اجتماعی در نظر گرفت:

۱. به عنوان نیروی کمکی تامین امنیت

۲. به عنوان نیروی پشتیبان و حامی حاکمیت (فضای واقعی و مجازی)

الف: به‌عنوان نیروی معترض به اقدامات اغتشاشگران و معاندان

ب. به‌عنوان تمام‌کننده مخاصمه میدان و دادن اخطار نهایی به اغتشاشگران

آنچه که در این بین مهم و ضروری به نظر می‌رسد که به‌عنوان یکی از اصول زیربنایی و اصلی نیروهای مردمی در عرصه مدیریت بحران‌های اجتماعی باید در نظر گرفته شود، تشکیل یک نیروی مردمی - عقیدتی و باتوجه به مولفه‌های میهن‌پرستی و حب به وطن است که به‌عنوان یک نیروی مردم پایه با عقبه و پشتوانه دینی و عقیدتی و گرایش‌های وطن‌پرستانه با انگیزه کافی و مولفه‌های انگیزشی قوی و محرک‌های اجتماعی کافی وارد این عرصه شود؛ تا در مواقع بالاگرفتن بحران و افزایش تنش‌ها، کمتر در معرض آسیب دو یا چندگانگی، کم‌رنگ شدن انگیزه‌ها و کاهش کارایی و تخریب روحیه خود و هم‌قطاران خود شود. این مستلزم برنامه‌ریزی اصولی و اقدامات زیربنایی برای شکل دادن به فضایی است که چنین نیروهایی را بتوان به بهترین نحو ممکن به‌عنوان نیروهای ذخیره مدیریت بحران، آموزش داده و پشتوانه خوبی از لحاظ نیروهای کارآمد به حساب آیند.

نیروی کمکی تأمین امنیت

حضور فیزیکی و میدانی نیروهای مردمی در کنار نیروهای تأمین‌کننده امنیت همواره یکی از ابتدایی‌ترین و مرسوم‌ترین روش‌های ورود نیروهای مردمی به عملیات مدیریت بحران‌های اجتماعی بوده و هست. این موضوع از چند نظر حائز اهمیت است.

۱. به‌عنوان نیروی ذخیره و پشتیبان نیروهای اصلی تأمین‌کننده امنیت، با داشتن و حفظ

آمادگی لازم جهت مواجهه با بحران و ورود به حوزه عملیاتی مدیریت بحران

۲. کمک به ایجاد وجهه مردمی تر شدن مدیریت بحران اجتماعی و اثرگذاری در کاهش مدت

زمان مدیریت بحران و هزینه‌های ناشی از بروز و ادامه بحران

«رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که به حق پشتوانه انقلاب اسلامی است و به کوشش ارزنده خود ادامه داده [اند] و بحمدالله تعالی باهمت جوانان برومند و داوطلبان، گروه میلیونی رزمنده تربیت [کرده اند]، و امید آن است که با شرکت فعال قشرهای معظم ملت و شور و شغفی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می‌شود «ارتش بیست میلیونی» که نگهبان

جمهوری اسلامی و کشور عزیز از سرّ جهان‌خواران متجاوز است، تحقق یابد.» (موسوی خمینی، ج ۱۵، ص ۳۸۶)

در واقع می‌توان گفت بسیج با فراگیری سرزمینی و همچنین برخورداری از پتانسیل بزرگی که به واسطه نیروی انسانی عظیمی که در اختیار دارد، توانایی بهترین حضور در میداين و اثرگذاری مناسبی در برهه‌های حساس و بحرانی را دارد. این موضوع در مواقع بروز بحران‌های طبیعی یا دفاع مقدس به خوبی نمود و جلوه بیرونی داشت و همچنین در زمان‌هایی که بحران‌های اجتماعی در قسمت‌هایی از کشور اتفاق می‌افتاد نیز با ورود نیروهای مردمی در قالب بسیج، شاهد تأثیرگذاری غیرقابل انکار این نیروها در خصوص موضوعات مطرح شده بودیم؛ از این رو می‌توان برای مشارکت بیشتر و اثربخش‌تر نیروهای مردمی در قالب بسیج در بحران‌های اجتماعی تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شود.

آنچه که در این خصوص می‌بایست مدنظر باشد آن است که این نیروی مردمی و سازماندهی شده، در تمامی مراحل از حالت مردمی بودن خارج نشود و به سمت دولتی شدن میل نکند؛ چرا که در این صورت کارکردها و خصوصیت‌های ویژه خود را از دست خواهد داد. یکی از عوامل بسیار مهم در خصوص نیروهای مردمی، تلاش برای همراهی همیشگی نیروهای مردمی برای حضور در عملیات مدیریت بحران‌های اجتماعی و مشارکت در این زمینه می‌باشد که به طور مستقیم با موضوع سرمایه‌های اجتماعی مرتبط می‌باشد و از آن تأثیر می‌پذیرد.

نیروی پشتیبان و حامی حاکمیت (فضای واقعی و مجازی)

باتوجه به فعالیت توأمان معترضان، اغتشاشگران و مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی در فضای واقعی جامعه و فضای مجازی، حضور مؤثر، هدفمند و برنامه‌ریزی شده نیروهای مردمی در سطح جامعه و برنامه‌های مختلف و متنوعی که در همین راستا به اجرا گذاشته می‌شوند و همچنین حضور مؤثر و پررنگ در فضای مجازی و خصوصاً شبکه‌های اجتماعی، حضور خود را در فضای جامعه تثبیت و تقویت می‌کنند.

فضای جامعه

حضور نیروهای مردمی در سطح جامعه را نمی‌توان صرفاً به دوران بروز بحران و پس از آن، محدود و ختم کرد؛ چرا که زمانی نیروهای مردمی قابلیت اثرگذاری مثبت و بیشتر در زمان بروز بحران‌های اجتماعی را دارند که دارای وجهه مقبول و به‌نوعی شناخته شده و پرطرف‌دار باشند؛ کسب و داشتن چنین وجهه مثبت اجتماعی، امری نیست که در بازه زمانی کوتاهی به دست آید و با حضور در اجتماعات، مطرح شدن در تریبون‌ها و مجامع محلی، منطقه‌ای و ملی، حضور و انعکاس در رسانه‌ها با گستره و دربرگیری زیاد و استمرار و گذشت زمان و داشتن یک برنامه‌ریزی مدون و دقیق برای تبدیل شدن به یک چهره اثرگذار و معروف مطرح امکان‌پذیر می‌باشد. در همین راستا با توجه به مراحل سه‌گانه مدیریت بحران می‌توان گفت مهم‌ترین اقدام در زمان قبل از بحران، پیشگیری از بروز و وقوع بحران یا تلاش برای کاهش آثار مخرب ناشی از وقوع بحران می‌باشد که در این مرحله می‌توان با استفاده از شخصیت‌های مردمی و قابل قبول اقدام به کنشگری در سطح جامعه کرد تا ضمن پیگیری مطالبات و خواسته‌های مردمی از مسئولین و به پاسخ واداشتن آنها، ضمن تقویت روحیه مطالبه‌گری و به سرانجام رساندن موضوعات پیرامون این مهم، از ایجاد التهاب و یا تشدید حساسیت فضای منفی جهت ایجاد و شروع اعتراضات یا اعلام نارضایتی‌های علنی و عمومی، ضریب نفوذ و اثرگذاری بر افکار عمومی دسته‌ای از نیروهای مردمی مقبول و با وجهه اجتماعی بهتر را افزایش داده و می‌توان به مرور آنها را تبدیل به مراجع محلی و چهره‌های منطقه‌ای و ملی کرده تا با بالارفتن ضریب نفوذ آنها در مردم و مخاطبان، میزان اثربخشی بر التهابات و تنش‌های ناشی از نارضایتی‌ها تا حد قابل توجهی کاهش یابد.

در زمان آفندی و پدافندی مدیریت بحران در مواجهه با جبهه مقابل، زمانی می‌تواند اثرگذاری قابل قبولی داشته باشد که از نیروهای توانمند مردمی استفاده کند که این مهم نیز به برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مدیریت بحران در مرحله پیش از وقوع بحران و قبل از بروز تنش‌های ناشی از اختلافات و اعتراضات باز می‌گردد.

نیروهای مردمی که در زمان قبل از بروز بحران اقدام به عملیات‌های پیشگیرانه کرده‌اند را می‌توان در مراحل بعدی مدیریت بحران نیز مشاهده و رویت کرد که برای حضور در مراحل مدیریت بحران و همراهی با نیروهای انتظامی و نظامی، وارد میدان می‌شوند.

فضای مجازی

از آنجاکه امروزه شروع و هماهنگی عمده اعتراضات و اقدامات میدانی از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود، حضور نیروهای مردمی در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان کنشگران و حامیان حاکمیت و شبکه‌سازی و بالابردن ضریب نفوذ کاربران این چینی می‌بایست در دستور کار نیروهای مردمی و حتی نهادهای مرتبط قرار گیرد. از آنجاکه تأکید چندباره مقام معظم رهبری در خصوص میزان اهمیت فضای مجازی نیز موبد این موضوع می‌باشد، می‌بایست با تشکیل گردان‌های مردمی در فضای مجازی به‌صورت فعال، کنشگرانه و اثرگذار فعالیت‌های مدون و تعریف شده‌ای که به‌صورت دائم و مستمر در نظر گرفته شده است را در دستور کار خود قرار داده و در زمان‌های بروز بحران یا رخداد‌های مقطعی، عملیات‌هایی چون طوفان‌های هشتگی و راه‌انداختن کمپین‌ها و چالش‌های مرتبط در شبکه‌های اجتماعی، عملیات به‌صورت اثرگذار و با گستره جمعیتی زیاد انجام شود. در این خصوص می‌توان به اقدامات و مواجهه کاربران همسو با حاکمیت در کشورهای مختلف جهان در مقابله با اغتشاشات و ناآرامی‌های اجتماعی مثل فرانسه (جنبش جلیقه زردها)، امریکا (جنبش وال استریت)، عراق (اعتراضات ضد دولتی)، ایران (فتنه سبز)، اعتراضات بنزین و اعتراضات در پی فوت مهسا امینی) و ونزوئلا (مقابله موافقان و مخالفان چاوز) و موارد مشابه اشاره کرد.

شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پرطرف‌دارترین بستر تعاملی در فضای مجازی می‌تواند در زمان بندی قبل، حین و پس از بحران، کمک شایانی به مدیریت بحران کرده و از شدت عواقب و تبعات ناشی از بروز بحران به میزان قابل ملاحظه‌ای بکاهد.

هر چند امروزه در فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی شاهد حضور نیروهای همسو با نظام هستیم و با روش‌ها و ترفندهای شبکه‌ای و همچنین با فعالیت مستمر و اثربخش کنشگری قابل توجهی را در شبکه‌های اجتماعی دارند، اما همچنان با توجه به میزان هجمه سنگین و مستمر دشمن در فضای مذکور که دارای بیشترین ضریب نفوذ و اثرگذاری بر افکار عمومی را دارد، برای تقویت این جبهه حساس، آسیب‌پذیر و اثرگذار، حضور قوی‌تر، اثربخش‌تر و هدفمند نیروهای مردمی همسو با نظام، مورد نیاز می‌باشد. در واقع این نیاز به حضور مردم در شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به نوعی به حضور میدانی نیروهای مردمی در مدیریت بحران تشبیه کرد و

از آنجا که مواجهه، مقابله و چالش در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همواره در جریان می‌باشد، حضور مستمر و اثرگذار نیروهای مردمی نیز در این فضا به میزان قابل توجهی مورد نیاز می‌باشد.

با توجه با این موارد می‌توان گفت حضور هدفمند و منسجم نیروهای مردمی در فضای مجازی و خصوصاً شبکه‌های اجتماعی اثرگذار بر افکار عمومی و جهت‌دهنده ذهنیت و افکار مردم می‌تواند ضمن اقدام برای عملیات‌های آفندی و اثرگذاری با روایت اول و برتر بر افکار عمومی، به عنوان نیروهای پدافندی نیز عمل کنند تا با خنثی و کم‌رنگ سازی اثرات حملات رسانه‌ای جبهه مقابل (خصوصاً در حین بحران) به رسالت رسانه‌ای خود در مقاطع مختلف عمل کرده باشد.

غفلت از فضای مجازی به معنای واگذاری نیمی از میدان و جبهه مقابله به طرف مقابل می‌باشد که در واقع به دلیل اثرگذاری بسیار زیاد این فضا بر افکار عمومی شهروندان، می‌توان سهم بیشتری در پیروزی یا شکست هر جریان اجتماعی را با توجه به میزان اهمیتی که برای فضای مجازی لحاظ می‌کنند، در نظر گرفت. میزان اهمیت پرداختن و تسلط بر این فضا هر روز برای سیاستمداران و متخصصان مدیریت بحران و حوزه پدافند غیرعامل مشخص‌تر و روشن‌تر می‌شود و این میزان حساسیت شایسته آن است که در حوزه مدیریت بحران، به طور خاص مدنظر و توجه مقامات ذی‌ربط قرار گیرد.

این گونه می‌توان عنوان کرد که در صورتی که برای مواجهه با شبکه‌های اجتماعی برنامه مدون و مشخصی نداشته باشیم، آنها به صورت بالقوه، تهدیدی برای امنیت محسوب می‌شوند. «شواهد و تحقیقات پژوهشگران به خوبی نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی و سرآمد آنها یعنی شبکه‌های اجتماعی مجازی، می‌توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم در بحران‌ها بر روی مردم اثر بگذارند برای مثال امروزه روزنامه‌نگاران به طور فزاینده‌ای رسانه‌های اجتماعی را به عنوان منبع تولید اخبار به کار می‌برند (افضلی و دیگران، ۱۳۹۳) این میزان اثرگذاری در برهه‌های مختلف و برای موضوعات گوناگون، متفاوت می‌باشد؛ ولی به طور حتم وجود دارد و نمی‌توان منکر آن شد. حضور مردم، نیروهای مردمی و کنشگران اجتماعی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی طبق نقشه راه و برنامه‌ریزی مشخصی که از قبل و با توجه به جنس و نوع بحران می‌تواند از میزان خطرات و تهدیدهای این فضا برای کشور تا حد قابل توجهی بکاهد. در همین راستا محققان و

پژوهشگران حوزه بحران و رسانه، تأکید زیادی بر استفاده از شبکه‌های اجتماعی در مدیریت بحران و برای کاهش آثار ناشی از بروز بحران، دارند که در بخش‌های قبلی به برخی از آنها اشاره شد.

«بی‌تردید رسانه‌های جدید کنشگری را تسهیل می‌کنند و حتی به شیوه‌های متنوع و غنی‌تر انواع گوناگون انتخاب‌های فردی را میسر می‌نمایند. از این منظر، ولمن «فردگرایی شبکه‌ای» را به منزله سهولت برقراری پیوندهای شخصی توصیف می‌کند که به افراد امکان می‌دهند تا به اجتماعات سیاسی متنوع و بیشتری، در مقایسه با جهان مادی ملحق شوند.» (لئوسادیا دیاز، ۱۳۹۴)

لازم به ذکر است که این کنشگری فردی و شبکه‌ای در استمرار زمان و با تعاملات درون شبکه و همچنین تعامل با افراد همسو در خارج از شبکه‌های ارتباطی، با برانگیخته کردن احساسات و ایجاد هیجان‌های کاذب و ایجاد و افزایش خشم نسبت به موضوعات روز، فرد را به سمت وسوی افراط‌گرایی پیش می‌برد؛ موضوعی که برونداد آن، اقدامات افراط‌گرایانه اعتراضی و دست‌زدن به کنش‌های خشونت‌بار خواهد شد که در ادبیات مدیریت بحران، با «خشونت‌گرایی» شناخته می‌شود.

نیروی مردمی به‌عنوان معترضین مردمی به اقدامات اغتشاشگران

نقش دیگری که نیروهای مردمی در اعتراضات و بحران‌های اجتماعی می‌توانند داشته باشند، اعتراض به اقدامات اغتشاشگران و معاندان می‌باشد. در صورتی که اقدامات معترضان خارج از چارچوب اعتراض مسالمت‌آمیز و رفتارهای خشونت‌پرهیز باشد، نیروهای مردمی با همراهی و حمایت آحاد مردم می‌توانند برای جهت‌دهی به افکار عمومی و کاهش اقبال عمومی به معترضین، با کنش‌های اجتماعی تأثیرگذار مثل راهپیمایی، تجمع، تحصن، راه‌اندازی کمپین و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های رسانه‌ای، ضمن بیان دیدگاه‌های خود، مخالفت خود را در خصوص اقدامات خشونت‌بار و خارج از عرف معترضان اعلام کنند و ضمن محکوم کردن اقدامات آنان، سعی در جلب افکار عمومی به سمت خود و کم‌فروغی اقبال عمومی به معترضان داشته باشد. به طور حتم از مهم‌ترین ابزارهای معترضان، همراهی افکار عمومی با آنان می‌باشد که در صورت کم‌رنگ شده این حمایت، قدرت تأثیرگذاری، جلب افکار عمومی، جذب نیروی جدید و حفظ نیروها و حامیان فعلی معترضان تا میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این‌گونه اقدامات را

باید در فضای مجازی و فضای واقعی جامعه اجرا و عملیاتی کرد تا ضمن دربرگیری گسترده و تأثیرگذاری زیاد بر مخاطبان هدف، بازدهی و نیل به اهداف مشخص شده نیز بهتر و قابل قبول تر شود.

از نمونه اقدامات این چنینی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تظاهرات شال قرمزها (طرف داران مکرون رئیس جمهور فرانسه در برابر معترضانی که با عنوان جلیقه زردها دست به اعتراض زده بودند)
۲. راهپیمایی موافقان و حامیان هوگو چاوز رئیس جمهور وقت ونزوئلا در برابر مخالفان وی
۳. تظاهرات حامیان محمد مرسی رئیس جمهور مصر در برابر مخالفان که در نهایت به کودتای علیه مرسی منتهی شد.
۴. تظاهرات موافقان و حامیان ترامپ در برابر مخالفان و معترضان به سیاست های وی

به عنوان تمام کننده مخاصمه میدان و دادن اخطار نهایی به اغتشاشگران

یکی از نقش هایی که برای نیروهای مردمی می توان ترسیم کرد و در نظر گرفت، به عنوان تمام کننده و فصل الخطاب مناقشه های خیابانی و درگیری های ناشی از بروز بحران های اجتماعی می باشد. حال این مهم می تواند در یک مرحله، مثل راهپیمایی ۹ دی ۱۳۸۸ و در پاسخ نهایی مردم به هتک حرمت پیروان فتنه سبز به عزاداران مکتب سیدالشهدا علیه السلام و چندین ماه ناآرامی در کشور باشد. چنین نقشی را برای نیروهای مردمی و آحاد مردم در بحران های گوناگون و در نقاط و کشورهای مختلفی می توان مشاهده نمود از جمله در پس اتفاقات و ناآرامی های ۱۴۰۱، در ناآرامی های ضددولتی در عراق در سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ می باشد

در چنین شرایطی نیروهای مردمی با حضور در میدان بحران های اجتماعی با ایفای نقش های متعدد سعی در کمک رسانی به مدیریت بحران داشته و دارند تا آسیب های ناشی از بحران های مذکور در پایین ترین حد ممکن برای جمهوری اسلامی، کشور و مردم رقم بخورد. مهم ترین نتیجه و نکته ای که می توان از این بررسی به دست آورد آن است که هر زمان و در مواجهه با هر بحران (طبیعی یا اجتماعی) اگر نیروهای مردمی به یاری حاکمیت و دولت خود شتافتند، آن بحران را می توان در بهترین حالت ممکن خود مدیریت کرد و به پایان رساند؛ ولی در صورتی که

حاکمیت از حمایت و پشتیبانی مردمی و نیروهای مردمی برخوردار نباشد، در مواجهه با بحران و مدیریت کردن و خاتمه‌دادن به آن، دچار چالش‌های جدی خواهد شد.

ردیف	موضوع راهپیمایی	عنوان راهپیمایی	تاریخ راهپیمایی	دوره برپایی	کشور
۱	پیروزی انقلاب اسلامی	۲۲ بهمن	۲۲ بهمن	سالانه	ایران
۲	حمایت از فلسطین و قدس	روز قدس	آخرین جمعه ماه مبارک رمضان	سالانه	نقاط مختلف جهان
۳	در تأیید دولت موقت به فرمان امام خمینی	حمایت از دولت موقت	۱۹ بهمن ۱۳۵۷	یک دوره	ایران
۴	حمایت و تقویت حزب نازی آلمان	راهپیمایی نورنبرگ	از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ میلادی	سالانه	آلمان نازی
۵	حمایت از هوگو چاوز	حمایت از چاوز	۱۳۹۲	کوتاه‌مدت	ونزوئلا
۶	حمایت از دونالد ترامپ	ترامپ	۱۳۹۹	کوتاه‌مدت	امریکا
۷	حمایت از دولت مکرون	شال قرمزها	۱۳۹۷	کوتاه‌مدت	فرانسه
۸	حمایت از محمد مرسی	حمایت از مرسی	۱۳۹۲	کوتاه‌مدت	مصر
۹	حمایت از اردوغان پس از کودتای نافرجام	راهپیمایی دموکراسی و شهدا	۱۳۹۵	سالانه	ترکیه
۱۰	حمایت مردم روسیه از ولادیمیر پوتین	حمایت از پوتین	۱۳۹۴، ۱۳۹۶ و ...	مقطعی	روسیه
۱۱	حمایت از سلامت و نتیجه انتخابات و	۹ دی	۱۳۸۸	سالانه	ایران

				مخالفت با اغتشاشگران	
--	--	--	--	----------------------	--

جدول ۱- نمونه تظاهرات مردمی در حمایت از حاکمیت / دولت

پتانسیل جمعیتی نیروهای مردمی در تمامی مراحل مدیریت بحران و چه در میدان اعتراض و به صورت رو در رو و چه در میدان مجازی و شبکه‌های اجتماعی و فضای سایبری، یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مولفه‌های تأثیرگذار بر نتیجه میدان می‌باشد. همان‌گونه که پژوهشگران مدیریت بحران مطرح کرده‌اند، اردو کشی خیابانی که به طور مستقیم به تعداد جمعیت طرف‌دار برمی‌گردد و به نوعی نمایش قدرت برای طرف مقابل می‌باشد، یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین اقدامات اعتراضی می‌باشد که در صورتی که دچار استمرار و دربرگیری و گستردگی بیشتر شود، پتانسیل ایجاد تغییرات و اتفاقات بزرگی را دارد. از این رو در زمان بحران و با ورود نیروهای مردمی به مدیریت بحران و شکوفایی قابلیت‌ها و فرصت‌های به وجود آمده شاهد تغییر معادلات میدان به نفع نیروهای تأمین‌کننده امنیت خواهیم بود. این‌گونه مانورهای جمعیتی همواره در برهه‌های مختلف و بنا به مناسبت‌های متنوعی که برخی از آنها تبدیل به مناسبت‌های تقویمی شده‌اند، ضمن از بین بردن برنامه‌ریزی‌های دشمنان، عامل تحکیم وحدت ملی، تقویت و استحکام ریشه‌های درخت انقلاب و همچنین بالارفتن مشروعیت داخلی و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران شده است. همین است که رمز بقای نظام، به میزان پشتوانه مردمی آن وابسته است.

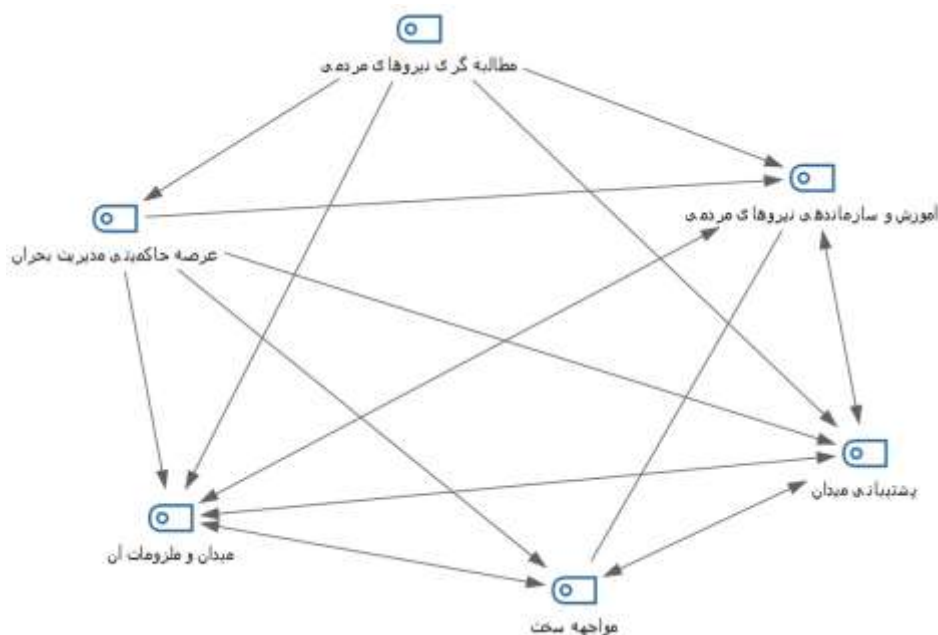
در خصوص کسب اطلاعات لازم برای پرداختن به سؤال اصلی و سؤالات فرعی این پژوهش و مسیر انتخاب شده جهت رسیدن به اطلاعات مفید و کاربردی پژوهش، مقرر گردید تجربیات، اطلاعات و توصیه‌های افرادی که در طول دو دهه گذشته دارای سابقه حضور در بحران‌های اجتماعی بودند، از طریق مصاحبه اخذ گردد و با پیاده‌سازی متن و استخراج جملات و کلمات کلیدی و مفاهیم پرتکرار و بررسی آنها، به دنبال رسیدن به یک مدل و الگو در خصوص چگونگی مواجهه نیروهای مردمی با بحران و در پی آن، برنامه‌ریزی برای آموزش‌های لازم و سازماندهی این نیروها برای مواجهه و مقابله با اغتشاشگران در میدان درگیری اعم از میدان واقعی بحران و فضای مجازی که بخش قابل توجهی از هماهنگی‌ها، حمله‌ها، دعوایها و درگیری‌ها در آن رخ می‌دهد، باشیم. این مصاحبه‌ها که با ۱۱ نفر (به مدت ۱۰۰۰ دقیقه) و در برخی موارد هر نفر ۲ تا

۳ مصاحبه در زمان‌های مختلف و به صورت تکمیلی و با تمرکز بیشتر بر موضوعات مطرح شده در مصاحبه‌ها و گفتگوهای قبلی انجام شده که با تمرکز بر نحوه شکل‌گیری اعتراضات، مواجهه و اقدامات انجام شده توسط نیروهای مردمی به عنوان بازوی کمکی نیروهای تامین‌کننده امنیت در مقابله با اغتشاشگران تهیه و تنظیم گردیده است. در پی انجام این مصاحبه‌ها و گفتگوی مجدد با برخی از افراد مصاحبه‌شونده و مطالعات انجام شده پیرامون موضوعات بیشتر تاکید شده در مصاحبه‌ها و پیرو آن، بررسی مشاهدات میدانی شخصی و رصد مستندات بحران‌های شاخص سال‌های گذشته، به ویژه بحران ۱۴۰۱، پژوهشگر به دنبال دستیابی به مدل و الگویی برای چگونگی مواجهه اولیه نیروهای مردمی با بحران و کسب حداکثری اطلاعات در حداقل زمان ممکن برای تصمیم‌گیری و اقدام در میدان (واقعی و مجازی) بوده که با تدوین درسنامه و برنامه آموزشی و با استفاده از کاربرگ، چک‌لیست و شناسنامه‌های مربوطه، بهترین ورود نیروهای مردمی در عملیات مدیریت بحران را شاهد باشیم.

از آنجاکه یکی از مهم‌ترین اقدامات برای انجام هر عملیات، داشتن اطلاعات کافی و دقیق در خصوص موضوع مورد توجه مدیریت است، جمع‌آوری اطلاعات کافی، صحیح و دقیق می‌بایست به طور ویژه مورد نظر مدیریت (بحران) قرار گیرد. از این رو نحوه جمع‌آوری اطلاعات، دسته‌بندی و امکان و توانایی خروجی و نتیجه گرفتن از داده‌های جمع‌آوری شده پس از انجام مصاحبه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی و با توجه به تجربیات نگارنده و تطبیق آن با دیگر تجربیات مرتبط با فضای میدانی مواجهه با بحران‌های اجتماعی، به سه دسته خروجی برای بهره‌بردن در ارزیابی اولیه میدان توسط نیروهای مردمی می‌رسیم که در مراحل مختلف مدیریت بحران می‌توان از آنها استفاده کرد. شامل چک‌لیست میدان، کاربرگ شناسایی نقاط حادثه‌خیز، شناسنامه امنیتی و شناسنامه سیاسی

ردیف	قبل از بحران	حین بحران	پس از بحران
۱	شناسنامه سیاسی		شناسنامه سیاسی (بازیابی)
۲	شناسنامه امنیتی		شناسنامه امنیتی (بازیابی)
۳	شناسایی نقاط مستعد	شناسایی نقاط مستعد	
۴	چک‌لیست میدان	چک‌لیست میدان	

در این جدول برنامه اولیه و پیشنهادی استفاده از خروجی های مصاحبه های انجام شده، درج شده است. این موضوع می تواند همواره در حال به روزرسانی و تکمیل باشد. لازم به ذکر است این موارد به صورت کلی و بدون تأکید بر بحران خاصی تدوین گردیده و با توجه به منطقه وقوع و موضوع بحران و موارد مرتبط با آن که می تواند در عملیات مدیریت بحران تأثیرگذار باشد، امکان بازنگری، تغییر و اصلاح آنها و تهیه نسخ سفارشی هر بحران هست به عنوان مثال می توان شناسنامه اجتماعی و شناسنامه اقتصادی را نیز برای مناطقی که به فراخور موضوع مناسب باشد، تهیه و تدوین کرد.



شکل ۱- مقوله بندی کدهای مصاحبه ها

هدف اصلی از انجام این تحقیق رسیدن به چگونگی سازماندهی نیروهای مردمی در بحران های اجتماعی بوده که در قالب یک سؤال اصلی و سه سؤال فرعی به آن پرداخته شد که

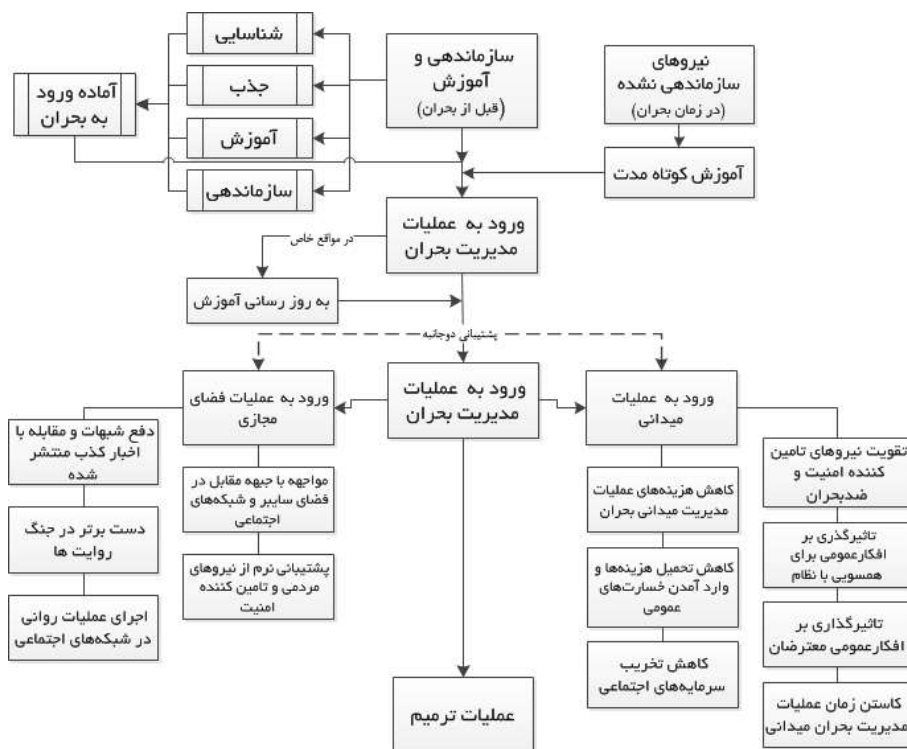
نتیجه‌گیری

باتوجه به تحقیقات، مصاحبه‌ها، مشاهدات میدانی و تجربیات شخصی نگارنده، می‌توان در خصوص سؤال اصلی پژوهش و فرضیه موردنظر این گونه عنوان کرد که با آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی برای ورود به بحران‌های اجتماعی می‌توان بر برآیند نهایی عملکرد آنها و خروجی کار در میدان‌های مواجهه (واقعی و مجازی)، به میزان قابل توجهی تأثیر گذاشت. این موضوع، یک مورد مقطعی یا اقتضایی نیست و می‌بایست با برنامه‌ریزی مدون میان‌مدت و تعریف مراحل شناسایی افراد تا آموزش‌های نهایی و ورود به میدان مواجهه تمامی مراحل با دقت و پشتوانه مطالعاتی - عملیاتی بالایی تعریف، تدوین و اجرا شود. بهترین بستر برای انجام این امور جهت انجام مراحل شناسایی تا سازماندهی، ارگان‌ها و نهادهای مردمی با بدنه مردمی و گسترده‌گی و دربرگیری فراگیر در سطح کشور است که با اتکا به نیروهای مردمی تحت پوشش خود بتوانند این وظیفه را انجام داده و به نتیجه برسانند. می‌توان برای این مهم تقسیم کاری بین نهادها و سازمان‌های مردمی انجام شود که هر کدام بخشی از موضوعات مرتبط با مراحل شناسایی تا سازماندهی را انجام دهند و در نهایت همگی تحت امر بسیج برای ورود به میدان آمادگی لازم را داشته باشند. یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با انجام فعالیت‌های مردمی - تشکیلاتی، حفظ انسجام و ارتباط اعضا با یکدیگر و اعضا با سازمان دهنده است که همواره ضمن حفظ ارتباطات و آمادگی افراد، تقویت روحیه و حس گروهی و هم‌افزایی جمعی برای ورود به عملیات‌های پیش رو را همواره در بهترین حالت ممکن شاهد باشیم. این انسجام و یکپارچگی در حفظ، بقا و افزایش روحیه کارگروهی در بلندمدت و در زمان‌های بروز بحران و اعلام فراخوان به نیروها، اثر خود را نشان خواهد داد، و چنانچه به این مقوله مهم کم توجهی بشود، زحمات کلیه فعالیت‌های حول سازماندهی نیروهای مردمی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

در واقع در بستر تجربه بسیج مردمی برای مبارزات علیه رژیم پهلوی و پس از آن در بسیج مردمی برای دفاع مقدس و نیز تجربه جهاد سازندگی و هلال احمر در دوران انقلاب اسلامی، می‌توان با استفاده از آن تجربیات و بسترهای آماده و در جریان ارگان‌ها و سازمان‌های مردمی و در کنار آن برنامه‌ریزی اصولی و عملیاتی برای آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی، در زمان

فصلنامه مطالعات مدیریت بحران

وقوع بحران های اجتماعی با حضور هدفمند و اثربخش وارد میدان شوند که در پی آن به اهدافی چون کاهش هزینه های مادی و معنوی و خسارت های ناشی از اعتراضات نائل آیند. از این سازماندهی حتی می توان در مواقع بروز بحران های طبیعی نیز به نحو مطلوب و برای امداد رسانی و موارد مرتبط با منطقه بحران زده من جمله کمک رسانی برای تأمین امنیت منطقه بحران زده استفاده کرد.



شکل ۱- فرایند کلی سازماندهی و اقدامات مدیریت بحران توسط نیروهای مردمی

از جمله نکاتی که معمولاً در مدیریت بحران و در مراحل سه گانه آن چندان مورد توجه واقع نمی شود و متأسفانه به صورت خیلی سطحی و غیراصولی به آن پرداخته می شود، مرحله پس از بحران و در اصطلاح، ترمیم است که در مواردی هم که مورد توجه واقع می شود، خیلی سطحی و حتی در مواردی مواجهه با آن به طور نمایشی و نمادین بوده که در عمل هیچ خروجی مثبتی نداشته است. در مدیریت بحران های اجتماعی یکی از مهم ترین وظایفی را که می توان برای

نیروهای مردمی در نظر گرفت، موضوع ترمیم در مرحله سوم مدیریت بحران است و از آنجا که تا به حال به صورت دقیق و اصولی به آن پرداخته نشده است، زمینه و بستر بسیار خوبی است برای تأثیرگذاری و تقویت سرمایه‌های اجتماعی در بین مردم، خصوصاً افرادی که بابت بروز اعتراضات و ناآرامی‌ها دچار خسارت‌های مادی و معنوی شده‌اند؛ این در کنار تقویت سرمایه‌های اجتماعی، به افزایش ضریب اعتماد مردم به نیروهای مردمی حاضر در مدیریت بحران و بالا رفتن ضریب نفوذ نیروهای مردمی در بین مردم و افکار عمومی منجر خواهد شد که در بلندمدت می‌تواند اثرات پایدار، ماندگار و قابل توجهی را در جامعه بگذارد. تأکید و پرداختن به این مرحله از مراحل مدیریت بحران به دلیل خلأهای ناشی از رفتار غیر حرفه‌ای و غیر اصولی مدیریت‌های بحران‌های گذشته، به طور قطع برگ برنده و عامل تحکیم کننده‌ای برای تثبیت جایگاه نیروهای مردمی در مدیریت بحران‌های اجتماعی (و طبیعی) خواهد بود.

در نهایت می‌توان گفت که سازماندهی نیروهای مردمی برای ورود به بحران‌های اجتماعی در چند وجه و با کارکردی چندگانه و نه صرفاً موضوع مواجهه سلبی و سخت باشد تا اثربخشی و برآیند حضور این نیروها در میدان مواجهه با بحران، تا میزان قابل قبولی بهتر و منطقی‌تر نمود و خروجی داشته باشد؛ باتوجه به مراحل سه‌گانه مدیریت بحران می‌بایست افرادی شناسایی، جذب و سازماندهی بشوند که در مراحل مختلف مدیریت مردمی بحران توانایی انجام وظیفه و مواردی که به عهده آنها واگذار شده است را داشته باشند. این وظایف را نمی‌توان فقط برای یک مرحله بحران و بدون در نظر گرفتن مراحل بعدی آن در نظر گرفت و برنامه‌ریزی کرد و می‌بایست باتوجه به مراحل سه‌گانه مدیریت بحران نقش‌ها و وظایف افراد را مشخص کرده و آموزش‌های لازم را برای آنان تعریف کرد تا با تسلط و خبرگی بیشتری وارد میدان شوند و در اثرگذاری مدیریت بهینه بحران نقش مؤثری را ایفا کنند.

سازماندهی و آموزش

فرایند کلی سازماندهی و اقدامات مدیریت بحران توسط نیروهای مردمی را باتوجه به شکل ۳ که در واقع خلاصه و چکیده هر آنچه در این پژوهش انجام شده است را می‌توان در مراحل سه‌گانه قبل، حین و پس از بحران تقسیم و بررسی کرد.

۱. قبل از بحران

مدیریت بحران در مواجهه با نیروهای مردمی با دودسته کلی این نیروها مواجه است:

الف. نیروی مردمی سازماندهی شده

ب. نیروی مردمی سازماندهی نشده

نیروهای مردمی سازماندهی شده طی فرایند چهارمرحله ای شناسایی، جذب، آموزش و سازماندهی برای ورود به عملیات مدیریت بحران در حالت آماده باش قرار دارد. لازم به ذکر است این دسته نیروهای مردمی که پس از تأیید نهایی صلاحیت و آمادگی ورود به عملیات مدیریت بحران را دارند، در مرحله قبل از بحران می توانند به عناصر اثرگذار و تعیین کننده ای در حوزه های فعلیتی خود تبدیل شوند و ضمن کاستن از شدت و فشارهای ناشی از عوامل مختلف اجتماعی که می تواند منجر به ایجاد ناآرامی های مدنی شوند، نقش سازنده ای در ایجاد توازن و کاستن تبعات ناشی از این موارد داشته باشند.

نیروهای مردمی سازماندهی نشده ای که قبل از وقوع بحران و درگیر و دار ایجاد تنش های میدانی خواهان هماهنگی برای ورود به عملیات مدیریت بحران هستند را می بایست با یک برنامه توجیهی جامع و کوتاه برای ورود به مرحله بعدی مدیریت بحران آماده کرد. در مرحله پیش از بحران نیروهای مردمی سازماندهی شده را می توان با توجه به دسته بندی فعلیتی آنها، وارد عرصه فعالیت و انجام اقدامات تعریف شده برای آنها در دوران وضعیت عادی و یا قبل از بروز بحران کرد.

۱. عملیات میدانی

افرادی که برای عملیات میدانی آموزش دیده و سازماندهی می شوند، یکی از جمله توانمندی های آنها فعالیت های میدانی برای اقدامات کنشگرانه اجتماعی در راستای برطرف کردن مشکلات و معضلات محلی، منطقه ای و ملی در چارچوب و قالب مطالبه گری و پیگیری از مسئولان مربوطه تا به سرانجام رسیدن مشکلات و موضوعات مبتلا به مردم است. این مهم را می توان یکی از جمله اقدامات تأثیرگذار و قابل توجه برای پیشگیری و کاهش التهابات منتهی به ایجاد و شکل گیری اعتراضات و ناآرامی های اجتماعی دانست. این دسته از فعالیت ها می بایست به طور مستمر در حال انجام و اطلاع رسانی به مردم و ذی نفعان باشد تا ضمن اطلاع از اقدامات نیروهای مردمی برای پیگیری مطالبات، از ایجاد خشم و عصبانیت بیشتر در بین مردم و همچنین

موج سواری دشمن در برجسته‌سازی کمبودها و مشکلات و تهییج و عصبانی کردن مردم و اقدام برای ایجاد اعتراضات خشونت آمیز جلوگیری به عمل آید. حضور میدانی نیروهای مردمی دارای آثاری است که می‌توان به مواردی از آن اشاره کرد:

الف. تقویت نیروهای تأمین‌کننده امنیت و ضد بحران (شورش)

ب. تأثیرگذاری بر افکار عمومی برای همسویی با نظام

ج. کاستن زمان عملیات مدیریت بحران میدانی

د. کاهش هزینه‌های عملیات مدیریت بحران میدانی

ه. کاهش تحمیل هزینه‌ها و وارد آمدن خسارت به اموال عمومی

و. کاهش تخریب سرمایه‌های اجتماعی

۲. عملیات فضای مجازی

از آنجاکه امروزه دسترسی به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای بیشتر شهروندان و مردم، میسر و امکان پذیر شده است و مردم به طور دائم در معرض تأثیرپذیری از این فضا هستند، بسیاری از اتفاقات همچون اعتراضات و اعلام نارضایتی‌ها، در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شروع می‌شود و رقم می‌خورد؛ این رویکرد تا آنجا پیش می‌رود که در اعتراضات مردم مصر در سال ۲۰۱۱ علیه حسنی مبارک، رهبری و هدایت معترضان از طریق شبکه‌های اجتماعی و به خصوص فیس بوک انجام شد و پس از آن مفهوم انقلاب یا اعتراضات بدون رهبر یا بدون سر مطرح و رایج گردید. این اتفاق را در ناآرامی‌های سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ در ایران هم شاهد بودیم که اعتراضات با محوریت و هدایت شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها در جامعه به منصفه ظهور رسید. از اینرو عملیات در فضای مجازی را می‌توان به نوعی یک عملیات جاری، دائمی و بدون پایان دانست و فعالان مردمی در این عرصه همواره در حال انجام اقدامات کنشی و واکنشی هستند.

آن دسته از نیروهای مردمی که برای ورود به فضای مجازی و عملیات در این فضا مشخص شدند می‌بایست در زمان فعالیت در این بستر، طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده اقدام به شبکه‌سازی و فعالیت‌های مشخصی کنند تا ضمن تقویت و گسترش شبکه خود، ضریب نفوذ و تأثیرگذاری خود را نیز افزایش دهند تا بتوانند با بیشترین میزان اثرگذاری بر مخاطبان و کاربران حاضر در

شبکه‌های اجتماعی، در سه دوره قبل، حین و پس از بحران عملیات مدیریت بحران را یاری رسانند. همان‌طور که عنوان شد این فعالیت مقطعی، گذرا و کوتاه‌مدت نیست و به‌نوعی یک زیست مجازی و زندگی در فضای مجازی محسوب می‌شود و برای اثرگذاری و اقدامات کنشی و واکنشی همواره در این عرصه حضور دارند.

حضور نیروهای مردمی آموزش دیده در فضای مجازی و انجام اقدامات کنشی و واکنشی از سوی آنها می‌تواند آثار ذیل را به همراه داشته باشد:

الف. مواجهه مستقیم با جبهه مقابل در فضای مجازی

ب. پشتیبانی نرم از نیروهای تأمین امنیت حاضر در میدان‌های شهری (اعم از نیروهای حاکمیتی

و مردمی)

ج. دفع شبهات و مقابله با اخبار کذب منتشر شده در فضای مجازی و مردم

د. دست برتر در جنگ روایت‌ها

ه. اجرای عملیات روانی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی.

فهرست منابع

- اسملسر، نیل (۱۳۸۰)، تئوری رفتار جمعی. ترجمه رضا دژاکام. تهران، مؤسسه یافته‌های نوین
- افضلی و دیگران (۱۳۹۳)، چالش‌ها و راهکارهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در مدیریت بحران، دومین کنفرانس ملی مدیریت بحران و HSE در شریان‌های حیاتی، صنایع و مدیریت شهری، دانشگاه تهران.
- امیری، عبدالرضا (۱۳۹۱)، مطالعه فرایند و متغیرهای مؤثر بر امنیتی‌شدن بحران‌های اجتماعی در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، شماره ۷
- آقایی، سید داوود (۱۳۸۷)، نقد و بررسی نظریه‌های مطرح درباره نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۵
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی، تهران، معاونت آموزش ناجا. چاپ سوم.
- جمیلی، حسن؛ سواری، احمد (۱۳۹۹)، بررسی جایگاه مشارکت‌های مردمی در مدیریت بحران، هنر و معماری، فصلنامه پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سال سوم - شماره ۲۳.
- حسینی، مازیار (۱۳۸۷)، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران. مدیریت بحران، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- حسینی جناب و دیگران (۱۳۹۴)، اصول و مبانی مدیریت بحران، تهران، انتشارات رویان پژوه
- رضائیان، علی (۱۳۸۵)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم
- روحی، نبی‌الله (۱۳۸۹)، اصول راهبردی مدیریت ناآرامی‌های شهری، فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۹.
- عرب، مهدیه (۱۳۹۵)، بررسی اثربخشی شیوه‌های آموزش مدیریت بحران بر یادگیری داوطلبین طرح دوام، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته مدیریت آموزش، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد مرکزی
- عظیمیان، قدرت‌الله (۱۳۹۳)، راهبردهای مناسب برای مدیریت بحران ناشی از تهدیدات اجتماعی، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۲۶
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی
- لئوسادیا دياز، رومرو (۱۳۹۴)، درآمدی بر کنشگری برخط و جنبش‌های اجتماعی معاصر، (ترجمه حسین حسینی)، فصلنامه مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید، سال سوم، شماره ۱۲
- مک‌کارتی، شاون (۱۳۸۱)، نقش اطلاعات در مدیریت بحران، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، جلد ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

فصلنامه مطالعات مدیریت بحران

ناکینی، محسن (۱۳۹۶)، تأثیر سازماندهی در مدیریت بحران های اجتماعی، فصلنامه پدافند غیرعامل و امنیت، شماره ۱۸

